



«ایران» درباره تعامل دیپلماتیک ایران و عربستان جهت حل و فصل مشکل ورزشی اخیر گزارش می دهد

ناکامی تخریبگران روابط تهران-ریاض

سیاست خارجی

گروه سیاسی

فرهنگی و ورزشی در تقویت فضای دوستی میان دو ملت تأکید و توافق کردند به نهادهای ورزشی دو کشور توصیه کنند که مشکل اخیر به وجود آمده در جریان مسابقات باشگاهی دو کشور را در مسیر احترام متقابل، گفت‌وگو و تفاهم حل و فصل کنند. «بن فرحان» در این تماس تلفنی با تأکید بر تداوم برگزاری مسابقات فوتبال میان تیم باشگاهی دو کشور در راستای تقویت همکاری‌های همه‌جانبه تهران و ریاض، از همتای ایرانی خود برای حضور مشترک در اولین بازی فوتبال در عربستان سعودی دعوت به عمل آورد.

دیپلماسی؛ راه حل مناقشات

وقوع این رویداد نشان می‌دهد، پس از ازسرگیری رابطه تهران و ریاض، میل مفرطی از سوی مخالفان این رابطه دیده می‌شود تا آن را در قابی بنشانند که مستعد تأثیرگیری از متغیرهای داخلی و خارجی است؛ متغیرهایی که این مرادوه را در روند رو به پیشرفت خود با تکانه‌هایی روبه‌رو سازد و آن را از حرکت بازنگه دارد. اما هوشیاری مقام‌های دیپلماتیک مانع از آن شد که بازنتاب و اثرات این دو حادثه ساخته و پرداخته شده در فضای رسانه‌ای یکسان باشد و در حالی که برخی می‌کوشیدند حاشیه‌های ساختگی رویداد ورزشی اخیر را به ساخت سیاست بکشند، کنش آسیا (AFC) خواسته‌اند مجوز تکرار این بازی را صادر کند. علاوه بر این، حسین امیرعبداللّه‌یان، «فیصل بن فرحان» و وزرای خارجه دو کشور نیز در تماس تلفنی روز گذشته ضمن اشاره به ضرورت سرعت‌بخشی به همکاری‌های مشترک در زمینه‌های مختلف، بر اهمیت نقش همکاری‌های

ایجاد اخلال در روند این رابطه بینجامد.

تهدید ادعایی صهیونیست‌ها

اهمیت توجه به عوامل مداخله‌گر در رابطه ایرانی-سعودی از آنجا دوچندان می‌شود که برای تل‌آویو که سال‌ها ایران را یک تهدید وجودی و عربستان سعودی را یک شریک بالقوه می‌خواند و با ایجاد ترس‌های مشترک از تهران، به دنبال برقراری روابط رسمی با ریاض بود، بازگشایی رابطه ایران و عربستان به عنوان دو رقیب دیرینه، شوک قابل توجهی به منطقه بود و ضربه سختی به «بنیامین نتانیاهو»، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی وارد کرد. بنابراین وقتی دوربین‌های غربی-عبری که منتظر میوه دادن توافق عقیم ابراهیم یعنی عادی‌سازی روابط کشورهای عربی با رژیم صهیونیستی و معادلات را ایران بودند، ناگهان خود را با عربستانی مواجه دیدند که روی تهران آغوش گشوده و معادلات را خود برای عادی‌سازی رابطه با عربستان در کوتاه‌مدت ناامید کرد اما به آن معنا نبود که برای کمربند کردن اختلافات سیاسی و امنیتی داخلی و خارجی از تلاش خود برای تحقق این هدف دیرینه دست بکشد. بویژه آنکه «نتانیاهو» دستنهایی به این هدف را متناثر از رویکردی می‌بیند که در گام نخست ایجاد اخلال و تنش در رابطه ایران و سعودی را هدف قرار می‌دهد. وضعیتی که آنها را برای فرار از مخمصه خودخواسته و آواشته تا طراحی سناریوهایی جدیدی ناظر به برجام‌سازی ادعایی معاطرات امنیتی ایران برای خاورمیانه و موج‌سازی در فضای رسانه‌ای

پیرامون رویدادهای معمول در بطن روابط ایران و عربستان از جمله اتفاق اخیر فوتبال را در دستور کار قرار دهند.

هوشیاری تهران

نوع مواجهه مقام‌های عالی‌رتبه دیپلماتیک ایرانی و سعودی با رویداد اخیر ورزشی نشان داد، نه فوتبال و نه حتی تکانه‌های ایجاد شده در عرصه‌های دیگر نمی‌تواند در عزم حاکمیت دو کشور برای قرار دادن رابطه در مسیر همکاری‌های تنگاتنگ خللی ایجاد کند؛ خاصه آنکه دو طرف از هدف گذاری رابطه به سمت مناسبات راهبردی سخن را در میان آورده‌اند. بنابراین زیر سایه چنین هدفی می‌توان پیش‌بینی کرد که ایران و عربستان نسخه‌هایی قابل اجرا برای وقوع رویداد‌های آتی در نظر خواهند گرفت. در عرصه تحولات منطقه‌ای از جمله عادی‌سازی رابطه میان ریاض و



عکس: وزارت امور خارجه • دیدار امیرعبداللّه‌یان و بن فرحان در حاشیه اجلاس اخیر مجمع عمومی سازمان ملل

تل‌آویو و حل و فصل موضوعات اختلافی در دستور کار قرار دهند. بی‌تردید تفاهم اخیر ایران و عربستان و همچنین ترمیم رابطه با دیگر کشورهای عرب منطقه که از سال گذشته به صورت جدی کلید خورد، از عوامل اثرگذار متداول بر توافقات دوجانبه مستثنی نیست؛ جهانی که در آن قدر و قیمت یک توافق سیاسی و بین‌المللی با حفظ ثبات و امنیت و فرصت‌سازی در زمینه‌های متعدد بویژه امنیتی آن استحصالی نیست، زیرا هر توافق، ریشه‌های آن است که استحکام ریسمان و پیمان اصلی را بیشتر کرده و به همان میزان گسستش را دشوار می‌کند. آنچه در این راستا ضرورت دارد توجه به رویکردی است که مقام‌های صهیونیستی در روند بحران‌سازی تاریخی خود در برجام‌سازی سر گذرانده‌اند و همچنان این رویکرد را عاملی برای تداوم حیات خود دنبال می‌کنند.



حمایت نرگس محمدی از تروریست‌های مسلح و اشرار در قالب پوشش ادعایی «نه به اعدام»

شایان ذکر است تمام شبکه حقوق بشری ضد انقلاب در خارج از کشور زیر نظر و تحت حمایت لابی بهائی مستقر در فلسطین اشغالی هستند و منویات بیت‌المصلوبهائی را پیاده می‌کنند. تولیدات رسانه‌های وابسته به این شبکه و مواضع چهره‌های حقوق بشری و فعال در حوزه زنان معاند، گویای این امر است. بنیاد «عبدالرحمن برومند» متعلق به خانواده برومند و تحت مدیریت خواهران برومند (لادن و رویا) یکی از اصلی‌ترین نهادهای حقوق بشری ضد ایرانی است که از یک سو با لابی بین‌المللی سعی در چهره‌سازی و نمادسازی از شخصیت‌های بد سابقه مانند معصومه علینژاد به عنوان یک رهبر رهایی‌بخش دارد و از سوی دیگر به فعالیت‌های ضد خانواده و ضد زن ایرانی توسط افراد مذکور جهت می‌دهد. گفتنی است در سفر علینژاد به فرانسه و دیدار با مکرون، لادن برومند نیز او را همراهی می‌کرد.

شبکه حقوق بشری متعلق به شیرین عبادی و نرگس محمدی همچنین سابقه حمایت از گروهی اقدامات برهم زننده فضای زندان دارد و به‌عنوان یک نمونه مهم، در هجوم ارتش عراق به اردوگاه اشرف، شیرین عبادی در گرفتار خود با رادیو زمانه حمایت آشکار خود را از این گروهک تروریستی اعلام کرده و در نقش ناجی منافقین گفته بود: «اتفاقی که در یادگان اشرف افتاده را یک نقض آشکار حقوق بشری دانم. دولت عراق حق ندارد آنها را به ایران تحویل دهد. افرادی را که در یادگان اشرف هستند باید به چشم پناهنده سیاسی نگاه کرد و باید ببینیم آیا پیش‌تر نیز تقی رحمانی، همسر

بنابراین آنچه که مناسبات ایران و عربستان را با وجود متغیر مداخله‌گری رژیم صهیونیستی و پیشینه سال‌ها قطع روابط و غلبه ادراکات پیشینی، به پیش می‌راند، آن است که مقام‌های دو کشور مانع از آن شوند که این مرادوات نوپا از مسائل سیاسی و اجتماعی اثر گیرد. بویژه آنکه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران همزمان از فرصت تغییر فضای برآمده از تقویت رابطه ایرانی-عربی به خوبی در راستای توسعه روابط منطقه‌ای بهره گرفته و بر لزوم همکاری درون منطقه‌ای تأکید ویژه دارد. به همین خاطر ذیل این ملاحظات و محاسبات، این پرسش مطرح می‌شود که در شرایط کنونی کدام سیاست در منطقه به نفع بازگرا است؟ ادامه روند همکاری به منظور رسیدن به یک چهارچوب منطقه‌ای یا تداوم بحران با سناریوهایی تمام‌نشدنی ستیزه‌جویان بیگانه؟

سیاسی

دیگه چه خبر؟

اعتراف کارشناس BBC به قدرت ایران در منطقه

خبر اول اینکه، کارشناس شبکه سلطنتی BBC فارسی در میزگردی در این شبکه، نه تنها به قدرت و نفوذ منطقه‌ای ایران اعتراف کرد، بلکه از افول آمریکا در خاورمیانه گفت: آن هم در شرایطی که برخی از کارشناسان داخلی حاضر نیستند و فعالیت افول آمریکا را بی‌پذیرند. علم صالح، استادیار مطالعات خاورمیانه در دانشگاه استرالیا در این برنامه با اشاره به ضعف یا کم رنگ شدن موقعیت آمریکا در غرب آسیا، گفت: «تا قبل از این، آمریکا با یک تماس تلفنی می‌توانست مشکلات خود را حل کند، اما حالا باید بنشیند با عربستان مذاکره کند، درباره ایران باید ۱۰ سال مذاکره کند، آن هم شاید به نتیجه نرسد.»

وی با اشاره به دورشدن متحدین درجه یک آمریکا، همچون عربستان از آمریکا و نزدیکی این کشور به رقبای آمریکا، یعنی چین و روسیه، اضافه کرد: عربستان عادی‌سازی روابط خود را با ایران، از طریق چین انجام می‌دهد، بدون آن میان گذاشتن با واشنگتن و این‌ها، جزو چیزهایی است که برای غرب خطرناک است. وی در پاسخ به این سؤال مجری که امروز اسرائیل و عربستان به عنوان رقبای منطقه‌ای ایران چه وضعیتی دارند، تصریح کرد: نه اسرائیل و نه عربستان، هیچ یک رقیب منطقه‌ای ایران نیستند. علم صالح اضافه کرد: عربستان آن قدرت نظامی استراتژیک پایدار را ندارد که بتواند برای ایران یک تهدید نظامی محسوب شود، اسرائیل هم به خاطر موقعیت جغرافیایی و جمعیت از نظر امنیتی بسیار آسیب‌پذیر است، نه همین دلیل است که اسرائیل به دنبال شراکتی در منطقه است تا بتواند از طریق دیپلماسی از نفوذ ایران در منطقه بکاهد تا (از خطر) حلقه آتشی که ایران در اطراف اسرائیل ساخته، بکاهد. وی در پایان تأکید کرد که از نقش آمریکا در خاورمیانه بشدت کاسته شده است.

درخصوص

واکنش

چریان‌های

ضدانقلاب

به اهدای

این جایزه

به نرگس

محمدی

باید خاطر

نشان ساخت

که اغلب

گروه‌های

ضدایرانی

از سازمان

منافقین

گرفته‌تا وزیر

اطلاعات رژیم

صهیونیستی

و

گروهک‌های

تجزیه‌طلب

تبریک گفتند

که تبریک

مریم رجوی

سرکرده

گروهک نفاق

از همه جالب

توجه‌تر بود

ضعف اتحادیه اروپا از نگاه جاسوس فرانسوی



خانواده جهانگرد فرانسوی زندانی در ایران: اتحادیه اروپا اقدام مؤثری برای آزادی او نکرده است

دست‌آخراينکه، رادیو فردا، ارگان فرانسوی‌زبان سازمان جاسوسی CIA در گزارشی از ابزار تارحتی خانواده «لویی آرنو» جاسوس فرانسوی بازداشت شده در جریان آشوب‌های پاییز سال گذشته در ایران خبر داد. در این گزارش به نقل از پدر این جاسوس فرانسوی آمده است: «اتحادیه اروپا اقدام مؤثری برای آزادی او از زندان‌های جمهوری اسلامی انجام نداده است.»

مهرماه سال گذشته بود که وزارت اطلاعات در بیانیه‌ای مهم به ازسرگیری چندین تبعه خارجی در جریان آغاز آشوب‌های خیابانی در ایران اشاره و تصریح کرد: «تبعه بیگانه از اتباع آلمان، لهستان، در صحنه اغتشاشات یا در پشت صحنه‌های توطئه بازداشت شدند.» مسکوت گذاشتن پرونده آرنو از سوی اتحادیه اروپا و دولت فرانسه نیز احتمالاً بیانگر حساسیت این پرونده در شکار جاسوس فرانسوی بوده است.

پیش‌تر نیز در اردیبهشت ۱۴۰۱، دو نفر از افسران جاسوسی فرانسه بعد از سفر به ایران و دیدار و ارائه دستور کار به تعدادی از عناصر ضدامنیتی که تحت عنوان تشکل‌های صنفی فرهنگیان فعالیت می‌کردند، بازداشت و روانه زندان شدند.

«ایران» از اهداف ضدامنیتی اعطای «صلح نوبل» به عضو اپوزیسیون گزارش می دهد

جایزه‌های برای حمایت از تروریسم

امنیتی

گروه سیاسی

بهراحتی به اخبار جعلی کانال‌ها و صفحات مجازی نامعتبر ضدایرانی استناد می‌کنند. در جدیدترین مورد نیز روزنامه انگلیسی‌گاردین «به نقل از دو شاهد عینی» مدعی شد یک مأمور گشت ارشاد در مترو به آرمینا گراوند حمله کرد و او را بشدت هل داد!

اما آنچه مهم‌تر از پرداختن به رسانه‌های غربی است، ورود مقامات ارشد کشورهای غربی به این معرکه است. از ملاقات رئیس‌جمهور فرانسه با چهره‌های بد سابقه و فرومایه در میان اپوزیسیون مانند معصومه علینژاد تا توثیق عجیب جاستین ترودو نخست‌وزیر کانادا که مدعی صدور حکم اعدام برای ۱۵ هزار بازداشتی در ایران شد!

حیثیت‌سوزی غربی‌ها

در برابر ایران

در ادامه چنین راهبردی بود که روز گذشته کمیته صلح نوبل، جایزه ادعایی اسمال را به نرگس محمدی اهدا کرد؛ جایزه‌ای که بیش از اینکه جنبه حقوق بشری داشته باشد، واجد ابعاد سیاسی و ضدامنیتی است و فرستادن نامزدهای این جایزه در طول دهه‌های گذشته گویای این امر است؛ از اعطای جایزه صلح به شخصیت‌های سفاک تاریخ مانند سران رژیم صهیونیستی مثل منامخیم بگین، اسحاق رابین و شیمون پرز تا اعضای آن به شخصیت‌های ضدایرانی مانند شیرین عبادی و نامزدی معصومه علینژاد که انتقادهای گسترده‌ای را علیه کمیته صلح در پی داشت. این منتقدان به طور کلی این جایزه را ابزاری در دست دولت‌های غربی برای هدایت نیش خیره‌های سفاک و فشار بر دولت‌های رقیب یا دشمن بلوک غرب می‌دانند که تبدیل به یک اهرم فشار حقوق بشری علیه مخالفان نظم آمریکایی شده و هویتی خلاف فلسفه وجودی‌اش یافته است.

منابع آگاهی که اصلاً وجود ندارند!

آنچه درخصوص خبرسازی این رسانه‌ها قابل بیان است، این است که اولاً برای مستند نشان دادن گزارش‌هایشان از تغییراتی مانند «به نقل از منابع آگاه» و «گفته می‌شود» و مانند آنها استفاده می‌کنند و ثانیاً ادعایی که منتشر می‌کنند فاقد روش تحقیق و معیار سنجش صدق و کذب است که اساساً راه اعتبارسنجی را می‌بندد و ثالثاً

نرگس محمدی [دیگر] کیست؟

هم در زمان اعلام اسامی نامزدها و هم هنگام اعلام نام برنده این

دوره که نام نرگس محمدی مطرح شد، حتی برخی رسانه‌های معاند و نیز برخی رسانه‌های خارجی مانند اسکای‌نیوز عربی او را با نرگس محمدی بازیکر مطرح تلویزیون و سینما اشتباه گرفتند که واکنش کاربران را نسبت به ناشناخته بودن او در پی داشت.

نرگس محمدی از اعضای سابق تشکل اصلاح‌طلب تحکیم وحدت و همسر تقی رحمانی از نیروهای جریان «ملی مذهبی» و همکار شیرین عبادی در تشکیلات ضد انقلاب «کانون مدافعان حقوق بشر» است که در طول یک دهه اخیر به دلیل حاشیه‌ها و اقدامات هنجارشکنانه و مطالب کاذبی که علیه جمهوری اسلامی عنوان کرده در معرض توجه نهادهای حقوق بشری ضدایرانی قرار گرفته است.

برادر او بشدت هل داد! نرگس محمدی از اعضای سابق تشکل اصلاح‌طلب تحکیم وحدت و همسر تقی رحمانی از نیروهای جریان «ملی مذهبی» و همکار شیرین عبادی در تشکیلات ضد انقلاب «کانون مدافعان حقوق بشر» است که در طول یک دهه اخیر به دلیل حاشیه‌ها و اقدامات هنجارشکنانه و مطالب کاذبی که علیه جمهوری اسلامی عنوان کرده در معرض توجه نهادهای حقوق بشری ضدایرانی قرار گرفته است. برادر او بشدت هل داد! نرگس محمدی از اعضای سابق تشکل اصلاح‌طلب تحکیم وحدت و همسر تقی رحمانی از نیروهای جریان «ملی مذهبی» و همکار شیرین عبادی در تشکیلات ضد انقلاب «کانون مدافعان حقوق بشر» است که در طول یک دهه اخیر به دلیل حاشیه‌ها و اقدامات هنجارشکنانه و مطالب کاذبی که علیه جمهوری اسلامی عنوان کرده در معرض توجه نهادهای حقوق بشری ضدایرانی قرار گرفته است. برادر او بشدت هل داد!

نرگس محمدی [دیگر] کیست؟ هم در زمان اعلام اسامی نامزدها و هم هنگام اعلام نام برنده این